



«لب» حاصل جمع چهار عقل نظری، عملی، معاش و معاد است

خسروپناه ضمن اشاره به اینکه حکمت زابیده اولوالالباب است تصریح کرد در نظام معرفتی قرآن انسان دارای چهار عقل از جمله عقل نظری، عملی، معاش و معاد است که اگر با هم جمع شوند «لب» نامیده می‌شود.

خسروپناه ضمن اشاره به اینکه حکمت زابیده اولوالالباب است تصریح کرد در نظام معرفتی قرآن انسان دارای چهار عقل از جمله عقل نظری، عملی، معاش و معاد است که اگر با هم جمع شوند «لب» نامیده می‌شود.

به گزارش ایکننا، همایش «دانشگاه تراز انقلاب اسلامی» ظهر امروز دوم تیرماه با سخنرانی حجت الاسلام عبدالحسین خسروپناه، دبیر کرسی های نظریه پردازی شورای عالی انقلاب فرهنگی و با تقدیر از اساتید برتر و برگزیدگان جایزه شهید چمران در دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله برگزار شد.

خسروپناه در این نشست اظهار کرد: خداوند متعال می‌فرماید: «يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ» (خدا) به هر کس که بخواهد حکمت می‌بخشد، و به هر کس حکمت داده شود، به یقین خیری فراوان داده شده است؛ و جز خردمندان؛ کسی پند نمی‌گیرد». این آیه خیلی عجیب است. هم حکمت را با خیر کثیر پیوند زده است و هم با اولوالالباب. آیه می‌فرماید به کسانی که حکمت داده می‌شود اثرش خیر کثیر است. حالا این حکمت چیست که خیر کثیر را به دنبال دارد. این حکمت هم زابیده اولوالالباب است. اساساً اولوالالباب چه کسانی هستند و «لب» چیست؟ پاسخ به این مسئله به نظام معرفت شناسی در قرآن برمی‌گردد.

وی افزود: یکی از ابزار معرفت در قرآن سمع است، یکی بصر است؛ یعنی حواس ظاهری. پس قرآن حواس ظاهری را به عنوان ابزار معرفت قبول دارد. بعد از حواس ظاهری که سمع و بصر است نوبت به عقل می‌رسد. تعبیر «بعقلون» در قرآن زیاد به کار رفته است البته تعبیر «عقل» در قرآن نیامده ولی در روایات زیاد آمده و مرحوم کلینی یک باب از کافی را به نام «عقل و جهل» نامگذاری کرده است. این عقلی که در قرآن و روایات آمده است چهار نوع است: عقل نظری؛ عقل عملی؛ عقل معاش؛ عقل معاد. عقل نظری و عقل عملی استدلال گر هستند اما عقل نظری استدلال ل گر در حوزه هست و نیست است ولی عقل عملی ناظر به گزاره های بابدونباید است ولی در هر دو استدلال گر هستند.

وی ادامه داد: امروزه از عقل معاش به عنوان عقلانیت ابزاری تعبیر می‌شود. در روایات، منظور از عقل معاش عقل برنامه ریز و تدبیرگر است که برای زیست این دنیا برنامه ریزی می‌کند. عقل معاش عقلی است که متأثر از عقل نظری و عملی است. عقل معاد هم عقل غایت اندیش است. اینکه در روایات داریم «العقل ما عبد به الرحمن و اكتسب به الجنان» منظور همین عقل معاد است. حیات دنیا به حیات آخرت متصل است و سعادت اخروی در همین دنیا تأمین می‌شود. اگر عقل نظری و عملی و عقل معاش و معاد با هم جمع شدند «لب» نامیده می‌شود. صاحبان این چهار عقل اولوالالباب هستند.

خسروپناه تأکید کرد: بعضی از فلاسفه غرب آمپریست بودند و فقط حس را قبول داشتند و بعضی دیگر عقل گرا بودند و برای حس، ارزش معرفتی قائل نبودند. در این میان کانت گفت من هم حس و عقل را با هم جمع می‌کنم ولی او گفت من از این طریق به فنومن و پدیدار می‌رسم. اندیشه او در نهایت سر از نسبی گرایی درآورد. اساساً گوهر مدرنیته اصالت عقل خودبنیاد است. بعدها آنقدر نگاه انتقادی قوی شد که پوپر گفت ما معیار اثبات نداریم و معیار ابطال است. حتی علم اقتصاد مبتنی بر ابطال گرایی است یعنی ابطال گرایی پوپر مبنای علوم دانشگاه امروز ما است. الان در خود غرب اندیشه پوپر به حاشیه رفته ولی هنوز در دانشگاه های ما حاکم است. من سی سال است در دانشگاه هستم و دانشگاه شناس هستم.

وی در ادامه اظهار کرد: قرآن می‌گوید «اولوالالباب» باشید. بعد می‌گوید اگر اولوالالباب باشید حکمت نصیب شما می‌شود. بعد می‌فرماید به اولوالالباب بسنده نکنید و لب را به فواد و فواد را به قلب تبدیل کند. اگر به قلب رسیدید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ». این یک نظام معرفت شناسی است. من نمی‌خواهم بگویم نظام معرفت شناسی غرب را نخوانید ولی می‌گویم دنیای جدید دنبال این حرف ها است. این تجربه بیست ساله بنده است که یک مورد نقض هم ندارد. همین قلب که در قرآن به عنوان ابزار معرفتی معرفی شده است اگر آمیخته به گناه شد در شناخت شما هم اثر می‌گذارد: «لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا؛ دل‌هایی دارند که با آن [حقایق را] دریافت نمی‌کنند و چشمانی دارند که با آنها نمی‌بینند و گوش‌هایی دارند که با آنها نمی‌شنوند».

در ابتدای نشست اخوان مقدم، معاون آموزشی دانشگاه به ایراد سخن پرداخت و اظهار کرد: در طول تاریخ امت های بسیاری

آمدند و تمدن‌هایی ایجاد کردند ولی اغلب تمدن‌ها اگر نگوییم در جهت خلاف مصالح بشریت نبودند حداقل با آنچه باید باشند فاصله داشتند. بشریت دنبال تمدنی بوده که خیر دنیا و آخرت را فراهم کند. در جریان انقلاب اسلامی خداوند توفیق داد ملت ایران با پیروزی در انقلاب اسلامی در این امتحان سربلند شود و نظام اسلامی را تأسیس کند. همان‌طور که مقام معظم رهبری تبیین کردند این ابتدای راه است و مقدمه‌ای است که مسلمانان تمدن نوین اسلامی را به پا کنند.

وی افزود: برای بر پا کردن تمدن، مقدماتی لازم است که تا حدی انجام شده است. چشم‌انداز ما بسیار وسیع است و نگاهمان این است که جهان را به نحوی آماده کنیم که لیاقت حضور منجی را داشته باشد. هدف تمدن نوین اسلامی ایجاد حیات طیبه برای بشریت است. معنای حیات طیبه صرفاً سعادت اخروی نیست بلکه سعادت دنیا را هم شامل می‌شود. در این حیات هدف این است که انسان‌های مؤمن در جامعه زندگی کنند. همه این مطالب برگرفته از فرمایشات مقام معظم رهبری است.

وی در ادامه گفت: به برکت مقام معظم رهبری پیام انقلاب به سراسر جهان رسید ولی در گام نخست مقاومتی در برابر آن ایجاد شد. البته در بسیاری از نقاط این مقاومت شکسته شد و انقلاب اسلامی در بسیاری از نقاط جهان استقرار پیدا کرد. اگر ما به عنوان یک جامعه علمی ساکت بنشینیم مسئله به استقرار نظام منتهی می‌شود ولی اگر نقش خود را ایفا کنیم منجر به ایجاد تمدن نوین جهانی خواهد شد. هدف ما هم در دانشگاه این است که دنبال احیای جایگاه خودمان در تراز انقلاب اسلامی هستیم.

وی در پایان گفت: اگر ما نتوانیم افراد واجد صلاحیت برای ایجاد تمدن نوین اسلامی تربیت کنیم در تحقق این تمدن دچار شکست خواهیم شد. ما موظف هستیم مسیری ایجاد کنیم که منجر شود به صورت منظم افرادی را تربیت کند که خودشان این مسیر را طی کرده باشند و همچنین الگو و چراغ راه افراد دیگر باشند. بهترین مصداق این مسئله شهید چمران است.